٢٦٧٤٢

الحمد للہ کہ این رسالۂ شریفہ [illegible] باصح [illegible] مسمّی بہ

[illegible]

[illegible]

M.A.LIBRARY, A.M.U.
PE7298

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الولی والصلوة والسلام علی نبیه افضل النبیین
وآله الطیبین واصحابه الطاهرین وازواجه امهات المومنین
اما بعد این سطور چند در بیان حد بدعت و بعض فواید مناسبه
حسب استدعای بعض طالبان حق و سالکان راه صدق بحیطهٔ تحریر
درآمده تا وجه اجتناب از بدعت از سنت مرید صادق و طالب راه حق را بعبارات
کامله و منفعت عظیمه حاصل شود و امید از ناظران این رساله نافعه اینکه در حق
کاتب بی بضاعت بازدیاد نور ایمان و اتباع سنن حضرت سید الانس
والجان علیه وعلی آله من الصلوات اتمها و من التحیات اکملها و اجتناب
از بدعت از جناب حضرت واهب العطایا جل شانه دعا فرمایند والله ولی التوفیق

CHECKED 1994-97

التوفیق و بیده ازمة التحقیق بدعت در لغت چیزی نو پیدا است و در
عرف شرع معنیش اینکه پیدا کرده شود در اسلام و دین چیزیکه یافته نشود
سند و دلیل آن از کتاب و سنت و اجماع امت و قیاس مجتهد قال رسول
الله صلی الله علیه وسلم من احدث فی امرنا هذا ما لیس منه
فهو رد قال الطیبی فی حاشیة مشکوة المصابیح فی شرح
المروی المتفق علیه ای فی الاسلام ما لم یکن له من الکتاب
والسنة سند ظاهر او خفی او مستنبط فهو مردود علیه یعنی احدث فی الاسلام
که مراد از کلمه امرنا هذا است بغور تمام ملحوظ خاطر باید داشت تا با دراک آن
افراد بدعت از غیر آن ممتاز گردد و اختلاط یکی بدیگری نشود پس بدانکه مراد
از امر که منسوب بآن حضرت است صلی الله علیه وسلم اموری که متعلق رضا
وسخط و مستوجب مدح و ذم عند الله تعالی باشند یعنی در فعل و ترک آن
رضا و سخط او تعالی و تقدس متعلق شود و فاعل را اثابت و تارک او
ملام کرد و پس چیزی که حادث شود یعنی هیچ دلیلش از دلائل شرعیه یافته
نشود و فاعل آن را من جمله دین انگاشته مستوجب ثواب و خشنودی او تعالی
شانه شمارد همان چیز بدعت است و مورد ضلالت و مردودیت فاعل آن

مرتکب ضلالت و همین چیز است که آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرموده اند
شر الامور محدثاتها و کل بدعة ضلالة [illegible] است که در
بدعت دو قید با خود است یکی آنکه آن شیء [illegible] محدثه یعنی [illegible]
از زمان [illegible] دیگر آنکه فاعل آنرا موجب قرب و ثواب و خوشنودی
او تعالی سبحانه شمارد و چنانچه آن امور که در کتاب و سنت صراحة موجود اند
و اوامر آنرا موجب رضا و خوشنودی او تعالی شانه می شمارند [illegible] این
امر محدثه را از قبیل امور دینیه میدانند پس هر چیزی که ماخذ آن در کتاب و سنت
موجود است یا باجماع امت یا بقیاس مجتهد ثابت گشته آنرا بدعت
گفتن نباید [illegible] اشیای کثیره و امورات متعدده که [illegible]
[illegible] بسبب غفلت از قیود بدعت شبیه به بدعت گشته اند از قبیل آن [illegible]
[illegible] منافی اختصار این رساله با فقدان [illegible] بر اشیای معدوده اکتفا
رفته و باقی را موکول به [illegible] فهم زکی [illegible] شد منجمله آن مسائل اجتهادیه
[illegible] رای [illegible] مجتهد [illegible] و چگونه مسائل اجتهادیه
را بدعت توان گفت حال آنکه اصول آنها ماخذ آنها در کتاب و سنت موجود
[illegible] در کتاب و سنت موجود [illegible]

در نظر عوام مخفی و محتجب بود و فهم هر کس بآن نمی‌رسید علما رضی الله تعالی
عنهم بقاعده شرعیه استنباط نموده تبیین فرمودند و تشریح نمودند نه آنکه
مجتهدین از نفس خود ایجاد و احداث نموده اند و از اینجاست که قیاس مظهر
است نه مثبت پس مسائل مستنبطه را بدعت گفتن محض نادانی است
من جمله آن تصنیف کتب دینیه و تالیف حدیث و ترتیب کتب فقهیه بر
فصول و ابواب برای تسهیل طلاب و تعریب کلام مجید بنابر صیانت از غلطی
عوام الناس خصوص اعاجم که بجهل خود الفاظ قرآن را از کجا تا کجا خواهند
رسانید این همه از مستحسنات شرعیه اند چرا که مفید حفظ دین اند و آن مقدم
تر و من جمله آن نماز تراویح با جماعت در لیالی رمضان شریف که بعضی
عوام بدعت میگویند و در حقیقت سنت آنحضرت صلی الله علیه وسلم است
که سه شب بنفس نفیس با جماعت اقامت فرمودند و در ترک آن در بقیه
لیالی عذر خوف فرضیت آن بر امت بیان فرمودند و تحریص و ترغیب که
بر قیام لیالی رمضان امت را فرموده اند بر متتبع کتب حدیث پوشیده نیست
عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اتَّخَذَ
حُجْرَةً فِي الْمَسْجِدِ مِنْ حَصِيرٍ فَصَلَّى فِيهَا لَيَالِيَ حَتَّى اجْتَمَعَ عَلَيْهِ نَاسٌ

ثم فقدوا صوته ليلة وظنوا انه قد نام فجعل بعضهم يتنحنح ليخرج اليهم فقال ما زال بكم الذي رأيت صنيعكم حتى خشيت ان يكتب عليكم ولو كتب عليكم ما قمتم به فصلوا ايها الناس في بيوتكم فان افضل صلوة المرء في بيته الا الصلوة المكتوبة متفق عليه

مروی ست از زید بن ثابت رضی الله تعالی عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم یک حجره از بوریا در مسجد درست فرمودند پس دران حجره چند شب نماز را گذاردند تا آنکه اجتماع کردند مردمان پس یکشب آواز آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیافتند و دانستند که شاید آنحضرت صلی الله علیه وسلم در خواب اند برای برآمد تنحنح میکردند پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که من عمل شما می دیدم ترسیدم که بر شما فرض شود و اگر فرض کرده شود و اقامت آن از شما نخواهد شد پس ای مردمان نماز اندرون خانهای خود بخوانید الا نماز فرض در خانه افضل نیست از نماز فرض وفي المشكوة عن ابي هريرة رضي الله عنه قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يرغب في قيام رمضان من غير ان يأمرهم فيه بعزيمة فيقول من قام رمضان ايمانا

واحتسابا غفر له ما تقدم من ذنبه بود رسول الله
صلی الله علیه وسلم ترغیب بسیار نمود برای قیام رمضان بی حکم بعزیمت
ولزوم نهی فرمود ازین بیان لائح وواضح گشت مشروعیت تراویح با جماعت
ونیز ثابت گشت که ترک آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخوف فرضیت شفقة
برامت بود ونسبت حداثت آن بحضرت فاروق رضی الله تعالی عنه ناوا
صرف است وقاعده اصول است که چون حکم بموجب نص شارع معلل
بعلت باشد نزد ارتفاع آن علت مرتفع میشود همچنین ترک صلوة مذکوره
باوجود ادای آن بجماعت سه شب معلل بخوف فرضیت بود وبعد ارتحال
حضرت سرور کائنات صلی الله علیه وسلم آن خوف برطرف شد زیرا که وحی
منقطع گشت پس مشروعیت وسنیت آن باصل خود ماند وآنچه حضرت
فاروق رضی الله تعالی عنه خود گفته اند نعمت البدعة هذه معنیش اینکه مواظبت
آن بجماعت واحده چیزی نوپید است که در زمان سرور کائنات صلی الله
علیه وسلم نبود نه آنکه اصل آن موجود نبود وبسا چیزها است که بخصوصیات
وهیئت خاصه در زمان کرامت نشان حضرت سرور کائنات صلی الله علیه وسلم
موجود نبودند لیکن چونکه مرغوب ومرضی شارع علیه السلام ود داخل کلیات

شیعه هستند و اصول آنها نا ثابت اند آنرا بدعت نتوان گفت چه بدعت همان
است که در شرع هیچ اصل نداشته باشد این است بنابر تفهیم متشککین طلاب
اهل سنت و جماعت ورنه بدعت حقیقتش آنست که در شرع هیچ اصل نداشته
باشد و چیزی که از خلفای راشدین و اجماع صحابه و تابعین ثابت است بحکم
حدیث مشهور صحیح سنت است قال النبی صلی الله علیه و سلم
من یعش منکم بعدی فسیری اختلافا کثیرا فعلیکم بسنتی و
سنة الخلفاء الراشدین المهدیین من بعدی عضوا علیها بالنواجذ
اکثر حضرات شیعه امامیه اثنا عشریه هداهم الله تعالی و ایانا سنت تراویح را احداث
عمری نامند و بدعت میگویند و بر حضرت فاروق رضی الله تعالی عنه طعن
احداث فی الاسلام مینمایند و بر اهل سنت بسبب اتباع امر محدثه بزعم خود طعن
میفرمایند و این طعن حضرات عالیات در حق حضرت فاروق بتقریر سابق
یعنی ثبوت تراویح بجماعت از حضرت خاتم الرسالة علیه و علی آله الصلوة و التحیة [illegible]
و ترک آن بخوف فرضیت [illegible] علی الامة و مواظبت اصحابه رضی الله تعالی
عنهم بحکم ارتفاع علت بوجه اتم دفع گردید و در حق اهل سنت با وجود دلایل و
براهین جمیع هم نتوان گفت که احداث فاروقی را بمذاق اهل سنت و جماعت بدعت

بدعت گفتن چشم پوشی از مسلک ایشان است زیراکه افعال و اقوال حضرت
فاروق بحکم حدیث مشهور نزد ایشان ملحق بسنت است و چه خواهند گفت حضرات
اثنا عشریه در حق عید غدیر و تعظیم نوروز و ادای نماز شکر روز قتل فاروق رضی
الله تعالی عنه یعنی نهم ربیع الاول و در تحلیل فروج جواری و محروم کردن
بعض اولاد از بعض ترکه که هرگز این چیزها در زمان آنسرور علیه الصلوة والسلام
نبوده و بزعم شیعه ائمه این را احداث کرده اند چون نزد اهل سنت و جماعت
خلفای راشدین بحکم حدیث مشهور مسطور حکم ائمه هدی دارند احداث عمر
رضی الله تعالی عنه بدستور احداث ائمه بدعت نمیدانند و اگر بدعت میدانند
بدعت حسنه میدانند که ملحق بسنت است والحمد لله تعالی علی ما وفقنا باتباع
حبیبه و خلفائه صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و من جمله آن لباسهای تکلف دیده
و طعامهای لذیذه و مکانهای با وضایع تجدد شده و هیأت متجدده که در زمان
کرامت نشان باین اوضاع مخصوصه نبودند آنها را داخل بدعت مینمایند
تشارا این شبهه بناء غفلت از مفهوم بدعت است چه بدعت آنست که احداث
امری کنند و آنرا از امور شرعیه دانند یعنی چیزیکه موجب قرب و رضای او تعالی
شانه مر فاعل او را و موجب سخط و بعد مر تارک او را باشند و بر وی ترجیح دلیلی از دلائل

شرع طيبه يافته نشود و مبناى اين همه امورات بر عرف و عادت است و هر ولايت و ملت
چه عرف بعض بلاد خلاف بعض از بلاد است و همچنين در يک بلد باعتبار
تفاوت ازمنه تفاوت عرف واقع است آرى موافقت عادت حضرت سرور
كائنات عليه و على آله من الصلوات و التحيات اكملها نيز منتج نتايج و ثمر سعادات
وافيد ره مقصود مثمر از محبت است وفقنا الله تعالى سبحانه اتباع حبيبه
سيد الكونين و رسول الثقلين و رزقنا حبه و شفاعته يوم الدين صلى الله
و على آله و اصحابه اجمعين و من جمله آن تعين وضع بعض اذكار [illegible]
كه حضرات صوفيه رضى الله تعالى عنهم اجمعين بنا بر افاده طالبان
و سلوک مقرر نموده اند مانند تكرار كلمه طيبه بحبس نفس و رسانيدن بعدد معين تا
در يک نفس و جلوس [illegible] و زانو يا چهار زانو با آنكه تكرار نفس كلمه طيبه اس العبادات
است و فضائل و مناقب آن در احاديث صحيحه ثابت و معروف و در تعين وضع
خاص است و [illegible] بعض نا واقفان بدعت ميدانند و اين همه
خارج از [illegible] است زيرا كه اين اوضاع را كسى از دين و ملت نمى شمارد
با آنكه فاعل يا تارک آن [illegible] و ملام عند الله تعالى و تبارک داند بلكه از قسم اوامر
صرف و نحو كه براى اقتدار [illegible] ادراک مضامين آيات قرآنى و احاديث حضرت

حضرت سرور کائنات محبوب سبحانی صلی الله علیه وآله وسلم را اطلاع بر محاوره
عرب که اصل دین از انجاست علما استخراج کرده اند باید دانست و تا از قبیل
آلات حرب که بسبب تفاوت زمان و طبائع عقلا آنرا وضع نموده اند و مفید
محاربه با کفار میدانند همچنین اشیاء مذکوره را تصور باید نمود که بنا بر دفع
وساوس و خطرات که محل توجه الی الله تعالی است نافع و برای حدوث گرمی
قلب مفید است نه آنکه فقط حبس نفس و نشستن دو زانو یا چهار زانو مستوجب
قرب و منزلت عند الله تعالی است اگر احدی فائده نفیسه اشیای مذکوره را
که از امور آلیه اند از مقاصد شرعیه پندارد و بلا ریب و رجع او بدعت است همچنین
جمله اوضاع اکتساب را که بزرگان طریقت کثرهم الله تعالی بنسبت بعض
طلاب مقرر فرموده اند قیاس باید کرد اگر فردی از افراد امت [illegible] بدون
ارتکاب این اوضاع محض در صحبت عزیزی با برکت یا به [illegible] کدام سنت ادا
یا محض موهبت و عنایت خاص او تعالی شانه حالات [illegible] و مقامات سنیه
از فنا و بقا نوازش فرماید و دوری از فیوض قرب ولایت و قرب [illegible] و مفتوح
فرموده منصب کمال و تکمیل بدو مرحمت فرماید هیچ [illegible] آن سعید را
از مغتنمات شمرده ملازمت باید نمود و در استرضای او بذل [illegible] مال را

سعادت خود باید شمرد اگرچه وجود این چنین بزرگ بسیار نادر و بعید در قرون
و دهور پیدا میشوند زیرا که درین جزو زمان وصول بمقامات فنا جذبه و سلوک
بدون اختیار طریقی از طرق متعارفه بندرت تمام بلکه حکم عنقا دارد پس اختیار
طریقی ازین طرق لازم افتاد لیکن اختیار طریقی که حفظ حدود شرعیه در ان
بمرتبه اعلی است ضرور است و آن طریقه نقشبندیه هست پس اختیار آن بسیار
اولی و انسب که اقرب الی المقصود است چه این بزرگواران بنا طریقت بر اتباع
سنت و اجتناب از بدعت نهاده اند و احتیاط از فضول مباحات التزام نموده اند و حکم
و حال را تابع شریعت داشته اند هر حالی که حاصل شود به برکت شریعت و ادای
سنت حاصل شود معتبر و مقبول و اگر در خلاف آن میسر آید غیر معتبر و نامقبول
چه مترتب بفرض اگر از وجد و تواجد هیچ حاصل نشد فقط اتباع سنت و التزام
شریعت برای نجات کافی است و نیز حصول مرتبه اخلاص که مقصود از
سیر و سلوک است بدون اضمحلال نفس صورت نمی بندد و آن موقوف بر مخالفت با نفس
است پس در هر راهی که مخالفت با نفس زیاده تر فنا نیز در آن بشتاب تر و این
معامله مخالفت با نفس درین طریق زیاده تر زیرا که نفس بالطبع مجبول
بر طغیانی و سرکشی است و خودپسندی عادت او است هر چیزی که موافق طبیعت

پیرا کرد

طبیعت با ختیار ذات اوست اگرچه از ریاضات شاقه و مجاهدات شدیده باشد نزد او اتباع
وسهل شریعت و انقیاد و اطاعت غیر بالضرورت بر او بسیار سخت و گران است در این طریق
چون مشایخ از برای اتباع سنت ترک بدعت نهاده اند بر آثار بسیار گران است که وضع خود گذاشته تن بحکم
و انقیاد در دهد و با ... بحکم سید الانبیاء حقیقی جل جلاله شود پس چون نفس بحرکت اطمینان آید اطاعت
گرفت و منور شد یعنی صاحبها الصلوة والتحیة منور گشت دیگر روا اضمحلال
خواهد آورد و آثار سرکشی را ... گذاشته پس او را خیال نباید کرد که حقیقت
خلاف شریعت است که ... ظاهر است بلکه همین شریعت است
که در نهایت درویشان رنگ دیگر [illegible] می‌شوند چون قلب از تعلق حب ما سوی الله و
که ما سوی الله را داشت پاک شود و از رذائل نفس بر طرف گشته نفس مطمئنه
شود و خلاص بهم رساند شریعت در حق او با هنر شود و هر رکعت او بهتر
از لکه رکعت دیگران باشد و همچنین صوم و صدقه او و این از جهت قوت
ایمان و اخلاص است پس نور باطن پیغمبر صلی الله علیه و سلم را از سینه
درویشان باید جست ولی در قرآن شریف متقی را فرموده و در حدیث
علامت اولیاء الله فرموده که از صحبت او خدا یاد آید یعنی صحبت و بنیاد در
صحبت او گم شود و محبت حق زیاده گردد و منجمله آن تقصیر یگانه ...

[illegible]

یعنی تصویر روضه منوره و مسجد مکرمه حضرت سرور کاینات صلی الله علیه
وآله وسلم و تصویر کعبه معظمه و مطاف و زمزم و حرم مبارک و منا و مزدلفه
و عرفات و بیت المقدس و کربلای معلی که اکثر بر کاغذها برای تشخیص امکنه
محدوده و تخیل آن می کشند اگر مقصود همین قدر است خارج از بدعت
است زیرا که این مقصود شرعی نیست و اگر مقصود آنست که نفس صور این امکنه
ساختن از جمله امور مقربه هست و بر آن صور مصنوعه احکام اصل جاری
کنند البته بدعت سیئه است بلکه در بعض امور شاید منجر بکفر هم شود
چنانچه با تعزیها عوام کالانعام و خواص کالعوام را مرسوم و معمول گشته
[illegible]
هداهم الله تعالی و نجاهم عن هذه البلاء المهلکه چیزهای کثیره از ممنوعات
شرعیه اند و بتاویل باطل آنرا داخل قربه مباح میدانند و تارک آنرا ملام
می پندارند منجمله آن افروختن چراغان است بر قبور و پوشیدن قبور
بچادرهای رنگین و طواف گرداگرد آن با ازدحام و انفراد و امثال آن
اهتمام و شدت اعتقاد بر این امورات بحدی رسیده که اگر فرض ترک
شود یا جماعت ترک کرده هیچ تاسف و خیال تدارک نیست لیکن روشنی
چراغان بر قبور [illegible] اگرچه باستقراض از سود باشد هرگز فوت نشود

[illegible]

چنانچه من جملهٔ امورات ممنوعه اعتقاد نحوست و سعادت ایام و شهور است
که اکثر ناس درین بلا مبتلا تا آنکه بدون استفسار از برهمن اقدام بر هیچ کار
نمی‌نمایند و صدق قول برهمن کافر چنان در اذهان شان مرسوخ و مرکوز گشته
که وحی منزل من السماء و حدیث فردی از حضرت خیر الانبیا صلی الله علیه
و سلم می‌پندارند نعوذ بالله منها خلاف قول برهمن ناگوار و مخالفت خدای
عالم الغیب گوارا و همین عقیدهٔ باطله را و تعالی و تقدس در کلام مجید فرقان
حمید جا بجا رد فرمایند دوازدهم آنکه کهانت عرب که نوعی خبر از
کوائن و دعوی معرفت اسرار بچند وجه بود یکی آنکه با شیاطین و جن
مناسبت پیدا کرده بودند و بهمین مناسبت از شیاطین [illegible] خبرها
می‌نمودند و حال شیاطین آن بود که باستراق سمع از ملأ اعلی [illegible] گرفته
در امورات صادقه امورات کاذبه ضم و الحاق کرده القای آن [illegible]
اولیای خود می‌نمودند و اینها بمقتضای مناسبت [illegible] و رفقای
اظهار میکردند پس بقدر صدق صورت آن [illegible] بر کلمه
صادقه اعتبار نموده معتقد و مخلص اینها می‌شدند و [illegible] تعظیم [illegible]
و تحف پیش می‌آوردند و اقوال کاذبه را اعتبار نمی‌نمودند [illegible]

استراق را او تعالی شانه در کلام مجید خود جا ها بیان فرموده و در حدیث
صحیح هم مذکور است چنانچه منقول خواهد شد و صورت دیگر اینکه
دعوی معرفت اسرار نمودند و استدلال میکردند بمقدمات اسباب
از کلام سائل و فعل و حال او چنانچه میگفتند من مسروق را امید انم و مال
گم شده را امید انم و امثال آن مدعی این فعل را عراف میگویند و این هر دو
صورت را حدیث شریف علی مصدره الصلوة والسلام رد می فرماید
عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهَا قَالَتْ سَأَلَ أُنَاسٌ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْكُهَّانِ فَقَالَ لَيْسُوْا بِشَيْءٍ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَإِنَّهُمْ
يُحَدِّثُوْنَ أَحْيَانًا بِشَيْءٍ يَكُوْنُ حَقًّا فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ تِلْكَ الْكَلِمَةُ مِنَ الْحَقِّ يَخْطَفُهَا الْجِنِّيُّ فَيَقُرُّهَا فِي أُذُنِ وَلِيِّهِ
قَرَّ الدَّجَاجَةِ فَيَخْلِطُوْنَ فِيْهَا أَكْثَرَ مِنْ مِائَةِ كَذْبَةٍ وَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَتَى عَرَّافًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ لَمْ يُقْبَلْ لَهُ صَلٰوةٌ أَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً
و این حدیث در مصابیح مذکور است فقط و از اقسام کهانت انتساب
حوادث همچو نزول باران و هبوب ریاح و قحط و خصب و سعادت و نحوست
و اقبال و ادبار بحرکات کواکب و افلاک و طلوع و غروب ستارها

ستاره و حرکات کواکب را مؤثر در حوادث ارضی و تغییرات

اشجار و اقدام بر امور زراعت و کارهای [illegible] در ایام و ساعات مقرره

و خلاف آن موجب نحوست و شقاوت و دانستن کهانت و تنجیم گویند

و این عقیده باطله را قرآن مجید و روایات حکم بابطال میفرماید هو الذی

ینزل الغیث من بعد ما قنطوا وینشر رحمته وهو الولی الحمید

إن الله عنده علم الساعة وینزل الغیث ویعلم ما فی الأرحام وما

تدری نفس ماذا تکسب غدا وما تدری نفس بأی أرض تموت

عن زید بن خالد الجهنی قال صلی رسول الله صلی الله علیه وسلم

صلوة الصبح بالحدیبیة علی إثر سماء کانت من اللیل فلما انصرف

أقبل علی الناس فقال هل تدرون ماذا قال ربکم قالوا الله ورسوله

أعلم قال أصبح من عبادی مؤمن بی وکافر بالکواکب أما من

قال مطرنا بفضل الله ورحمته فذلک مؤمن بی کافر بالکواکب

وأما من قال مطرنا بنوء کذا فذلک کافر بی مؤمن بالکواکب

وعن أبی هریرة رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

[illegible] من أتی کاهنا فصدقه بما یقول أو أتی امرأة [illegible]

أَوْ أَتَى امْرَأَتَهُ فِي دُبُرِهَا فَقَدْ بَرِئَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِشْكٰوة شريف فِي مَجْمَعِ الْبِحَارِ النَّوْءُ
بِفَتْحِ النُّونِ وَسُكُونِ الْوَاوِ وَهَمْزَةٍ زَعَمُوا أَنَّ الْمَطَرَ
لِأَجْلِ أَنَّ الْكَوْكَبَ نَاءَ أَيْ غَابَ أَوْ طَلَعَ وَمَنْ
زَعَمَ أَوْ قَالَ فَلَا مَحْذُورَ فَلَيْسَ مِنْ وَقْتِ الْأَ
وَهُوَ مَعْرُوفٌ بِنَوْعٍ مِنْ مَرَافِقِ الْعِبَادِ

نوء بمعنى غروب وطلوع ستاره وعرب را عقيده عموم بود که باريدن آب علت آن
طلوع وغروب ستاره هست لهذا شارع عليه من الصلوات اتمها ومن التحيات
اكملها رد اعتقاد باطل شان فرمود که علت باريدن باران طلوع وغروب
ستاره دانستن کفر است لا مؤثر الا الله تعالى يعني مؤثر در جميع اشيا
وموجد آن حق تعالى وتقدس ست وممکن وحادث الذات را چه قدرت
که ايجاد يا احداث ممکنی نمايد آری اينقدر دانستن که عادت او تعالى
جاری ست که در بعض اوقات ايجاد بعض اشيا ميفرمايد منافی شرع
چنانچه در ملک هند حشرات الارض در ماه ساون پيدا می شوند وبعد مضی
ايام بارش ناپيد ميشوند همچنين چهار ماه مشهور بنا بر نزول باران بطور جری عادت

عادت معين فرموده ومرافق ومنافع عباد بآن متعلق کرده اند پس اوقات
مذکوره معرف اند نه آنکه مؤثر ها. تمت

خاتمة الطبع

سپاس بيقياس خالق کون ومکان وصلوات بی غايات رسول انس وجان
که رساله عجالة نافعه از افادات جناب هدايت وارشاد مآب قدوة السالکين
زبدة العارفين سراج الواصلين مقتدای الکاملين المنقطع الی الله من الدنيا
وما فيها والمتبتل الی الحق من النفس واهليها ماحی البدعة ومحی السنة
سيدنا ومرشدنا ومولانا السيد مولوی ابو الحسن النقشبند
لا زالت افاضته علی المستفيضين وارشاده علی المسترشدين فی شهر المحرم
الحرام فی السابع والستين بعد الالف والمائتين من هجرة النبی الثقلين
اختتام پذيرفته آب رنگ طبع پوشيده
والحمد لله علی ذلک

L۲۹۸

[illegible]

ص	س	غلط	صحیح	ص	س	غلط	صحیح
۳	۶	الکتاب	الکتاب	۱۱	۵	کرمحل	کرمخل
۱۱	۷	[illegible]	[illegible]	۱۲	۸	[illegible]	[illegible]
۵	۱۵	[illegible]	[illegible]	۱۳	۱۰	[illegible]	واخلاص
۴	۱	[illegible]	[illegible]	۲	۹	[illegible]	[illegible]
۱۱	۲	[illegible]	[illegible]	۱۴	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۷	۱۰	[illegible]	[illegible]	۱۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۱۱	[illegible]	[illegible]	۱۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۱۵	[illegible]	[illegible]
۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]	۱۱	۹	[illegible]	[illegible]
۹	۷	[illegible]	[illegible]	۱۴	۳	[illegible]	[illegible]
۱۰	۵	[illegible]	[illegible]			[illegible]	

[illegible]

CALL No. ACC. No.

AUTHOR

TITLE

MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1·00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.